

# اقتضات اقتصادی مالکیت ادبی و هنری

دکتر محمود حکمت‌نیا

معاون مالکیت فکری وزارت دادگستری و استاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ما وقتی از مالکیت فکری صحبت می‌کنیم، اساساً از یک بحث اقتصادی صحبت می‌کنیم. به‌خصوص وقتی ادبیات و آه‌ها را بررسی می‌کنیم، واژه‌ها، نوعاً واژه‌های اقتصادی هستند. ما حتی در حقوق مولفان و مصنفان، با اینکه محوریت را با مولف و مصنف قرار می‌دهیم، باز هم نگاهمان یک نگاه اقتصادی است. این نگاه اقتصادی متفاوت از مبنای اقتصادی است. نگاه اقتصادی نه به این معنا که می‌خواهیم مبنای اقتصادی را بپذیریم. حتی اگر مبنای شخصیت را هم مدنظر قرار دهیم، باز هم این نگاه، یک نگاه اقتصادی است. در حوزه مالکیت ادبی و هنری، ۳ بحث اقتصادی مهم وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کنیم؛ اول اینکه از منظر اقتصادی، موضوعات مولفان و مصنفان و حقوق مورحمایت و مورد استثنائات، چه میزان ارزش افزوده را در ظرفیت کشور ایجاد می‌کند؟ میزان مشاغل و کارآفرینی در حوزه کپی‌رایت، تا چه میزان هستند و چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟ و موضوع سوم اینکه کپی‌رایت در حوزه صادرات و واردات، چگونه تنظیم می‌شود؟

صنایع حوزه کپی‌رایت، به صنایع اصلی، وابسته، مرتبط و آثاری که دارای آثار جزئی در کپی‌رایت هستند، تقسیم می‌شوند. این صنایع، صنایعی هستند که آثار کلی را به بازار منتقل می‌کنند. آنچه که در حوزه اقتصادی مطرح می‌شود،

این صنایع کپی‌رایت است که اگر ما بتوانیم این صنایع را تحلیل و موارد اقتصادی آن‌ها را استخراج کنیم، می‌توانیم در قانونگذاری رویکرد آن را هم تعیین کنیم. در واقع تبدیل امر غیرملموس به امر ملموس در حوزه صنایع کپی‌رایت و فعالیت‌های زیادی ذیل این ۴ دسته از صنایع قرار می‌گیرند.

**صنایع حوزه کپی‌رایت، به صنایع اصلی، وابسته، مرتبط و آثاری که دارای آثار جزئی در کپی‌رایت هستند، تقسیم می‌شوند. این صنایع، صنایعی هستند که آثار کلی را به بازار منتقل می‌کنند**

پس ما اگر می‌خواهیم در مورد حقوق کپی‌رایت صحبت کنیم، باید حوزه تنظیم‌گری مشاغل، صادرات و واردات را هم وارد این زمینه کنیم تا وجه اقتصادی کپی‌رایت روشن شود. ما در قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان، «اثر مشترک» را تعریف کرده‌ایم ولی «اثر جمعی» را نه. اثر مشترک

یعنی مثلاً عده‌ای مال مشاع به‌وجود می‌آورند و از حقوق آن منتفع می‌شوند ولی اثر جمعی ذیل مدیریت یک شخص



## اقتصاد کپی‌رایت و صنایع مربوط به آن در کشور به‌درستی مورد ملاحظه قرار نگرفته است، علت وجود مشکل در تنظیم‌گری آن نیز همین مسئله است

به‌وجود می‌آید و پدیدآورندگان ذیل مدیریت شخصی کار را انجام می‌دهند. اگر ما این اثر جمعی را تعریف کنیم، از جمله پیامدهایش ایجاد موسسات و مشاغل با فعالیت‌های اقتصادی قابل تعریف خواهد بود. اگر ما این نگاه اقتصادی را داشته باشیم، حق‌های جدید و به‌زای آن، ساختار و مشاغل جدیدی را خواهیم داشت. از جمله

نمونه‌هایی که در قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان نیست ولی در لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط وجود دارد که در صورت تصویب آثار بسیار خوبی خواهد داشت، «حق اجاره عمومی» است. یعنی به‌طور مثال من کتابی تولید می‌کنم و در مرجعی مثل کتابخانه واگذار می‌کنم که کتابخانه به جای خریداری از من، آن را اجاره می‌دهد و به میزان اجاره، سهم مولف را پرداخت می‌کند. در این حالت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به جای خرید کتاب از ناشرین، می‌تواند برای کتاب‌هایی که تقاضای زیادی دارند، از گزینه اجاره عمومی استفاده کند که این خود

مشاغل زیادی را در این زمینه ایجاد خواهد کرد. در اینصورت در کنار صحبت از مباحث قوانینی و حقوقی، لازم است که ساختار کتابخانه‌های عمومی و مراجع فرهنگی خود را هم مورد توجه قرار دهیم.

اقتصاد کپی‌رایت و صنایع مربوط به آن در کشور به‌درستی مورد ملاحظه قرار نگرفته است، علت وجود مشکل در تنظیم‌گری آن هم مربوط به همین مسئله است. صنایع و مشاغل که در حوزه حقوق نشر می‌توانند ایجاد شوند، دارای تأثیرات بسیار گسترده‌ای هستند. لذا قانون کپی‌رایت باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که این چشم‌انداز اقتصادی را داشته باشد. ارزش افزوده صنایع کپی‌رایت، در حوزه اقتصادی‌های در حال رشد، بیشترین حرکت شتابی را داشته است و یک پتانسیل بسیار قوی را در حوزه اقتصاد دارد. اگر این حوزه و همه صنایع آن بتوانند فعال شوند و در آن تنظیم‌گری صورت گیرد، حوزه اقتصادی بسیار گسترده‌ای به‌وجود خواهد آمد. بنابراین پرداختن به موضوع حمایت، شرایط حمایت، حق‌های اعطایی، آثار حق، استثنائات حق و ضمانت‌اجرایی حق در حوزه مالکیت ادبی و هنری، نیازمند این است که تبعات اقتصادی در حوزه ارزش افزوده، در حوزه مشاغل و نیز حوزه صادرات و واردات، مورد توجه قرار گیرد و ما با یک دید بسیار باز، به اصلاح قانون بپردازیم.

© سخنرانی در سومین همایش حقوق نشر